

کتابچه تشریفات

تألیف

حاج میرزا علی خان حاجب الدوله مقدم براغه‌ای

صحیح و تحسین

دکتر نادره جلالی





ISBN 978-964-224-646-5



9 789642 246465 >

www.elnpub.com

۲۲۵۰۰ تومان

کتابچه تشریفات

تألیف

حاج میرزا علی خان حاجب الدوله مقدم مراغه‌ای

تصحیح و تحشیه

دکتر نادره جلالی

سرشناسه	: حاجب الدوله ، علی بن حسین ، ۱۲۸۴ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: تشریفات / تالیف علی خان حاجب الدوله مقدم مراغه‌ای ؛ تصحیح و تحشیه نادره جلالی .
مشخصات نشر	: تهران: نشرعلم، ۱۳۹۴ .
مشخصات ظاهری	: ۲۶۰ ص؛ ۱۴/۵ × ۱۷/۵ س م .
فروست	: مجموعه نظریه و نقد.
شابک	: 5 - 646 - 224 - 964 - 978
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.
یادداشت	: کتابنامه ۲۴۰ ص.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: آداب دیپلماتیک -- ایران
شناسه افزوده	: جلالی ، نادره ، مصحح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۵ ت ح / ۱۴۳۶ JZ
رده بندی دیویی	: ۳۹۹ / ۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۲۴۸۰۲



نشر

کتابچه تشریفات

تصحیح و تحشیه : دکتر نادره جلالی

صفحه آرا: لیلا حائری

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۳۳۰ نسخه

لیتوگرافی: صدف ۸۸۸۳۰۵۳۳

چاپ و صحافی: رامین

ناشر: نشرعلم

خیابان انقلاب - خیابان دوازدهم فروردین - خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر پلاک ۴ تلفن: ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۵ - ۶۴۶ - ۲۲۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

فهرست

- ۶..... پیشگفتار
- ۳۰..... مقدمه
- ۳۲..... هو کتاب التشریفات
- ۳۴..... فصل اول (در باب تعیین تحویل حمل یلان نیل خجسته تحویل و سایر لوازم)
- ۴۵..... از اطباء و منجمین که در افاق بودند
- ۲۶۰..... اعضای دیوانخانه عدالت
- ۳۶۰..... اهل قلم و غیره
- ۵۵..... لشکرنویسان و منشیان
- ۷۶۰..... آقایان قاجار
- ۳۶۰..... اطباء و منجمین
- ۶۰..... اهل نظام به توسط سردار کل
- ۶۲..... وقایعات
- ۶۵..... فصل دوم (یشکشی ولایات که در حضور مبارک گشت به تاریخ یوم پنجشنبه یست ونهم شهر رجب المصطفی یلان نیل ۱۲۷۳)
- ۶۰..... سواری های سرکار اقدس و باغات سواری سرکار اقدس
- ۷۸..... توقف موکب همایونی در قصر قاجار تاریخ یوم یکشنبه نهم شعبان المعظم یلان نیل خیریت دلیل سنه ۱۲۷۳
- ۸۳..... فصل سوم (در آداب تشریفات و زری دول متحابه و سفرای مزبور)
- تشریفات شرفیابی عالیجاه کیاز میکوف فرستاده جناب جانشین قفقازیه به حضور مبارک اعلیحضرت همایونی به تاریخ یوم
- ۸۳..... سمنه هیجدهم شهر شعبان المعظم یلان نیل
- ۸۸..... اسامی فرستادگان جناب جانشین قفقازیه
- ۸۸..... در باب تعارفات و هدایا که از جهت امنای دولت علیه آورده بودند
- ۹۱..... فصل چهارم (در باب سواری موکب همایون به شکارگاه و غیره و ایام توقف در شکارگاه)

- فصل پنجم (در تشریف‌فرمایی موبک همایون به ییلاقت و ایام توقف و سواری و وقایع اتفاقیه وقایع شهر شوال‌المکرم) ۹۵
- وقایع در باغ لاله زار مادام توقف ۹۷
- وقایع در دارالخلافه ۱۰۰
- وقایع در شهر ذی‌القعدة الحرام ثیلان‌نیل ۱۲۷۳ ۱۰۳
- وقایع در داودیه ۱۰۷
- وقایع در نیاوران ۱۰۸
- در باب وقایع در ایام شهر ذی‌القعدة الحرام ۱۰۹
- وقایع در نیاوران ۱۱۰
- فصل ششم (در باب ورود و مهمانان عزیا و قرار مخارج یومیه و تشریفات و انعامات ایشان و ایام توقف) ۱۱۱
- در باب تشریفات جناب فخرامتناسب، مستر موره وزیرمختار دولت بهیسه انگلیس در تاریخ یوم شنبه بیست و پنجم شهر ذی‌القعدة الحرام ثیلان‌نیل بعد از مصالحه دولتن عتین ۱۱۱
- بابت تشریفات روز یکشنبه بیست و هفتم که به سلام خاص اعلیحضرت شاهنشاهی می‌روند ۱۱۶
- آنچه از تشریفات تجاوز کرده و به بیان واقع به وقوع انجامیده در ورود جناب مستر موره و احترامات مشارالیه ۱۲۰
- وقایع در نیاوران به تاریخ یوم پنجشنبه غره ذی‌الحجه الحرام ثیلان‌نیل سنه ۱۲۷۳ ۱۳۲
- تشریفات عید اضحی در نیاوران که دهم ذی‌الحجه الحرام است ۱۳۳
- وقایع در نیاوران به تاریخ یوم یکشنبه ۱۱ شهر ذی‌الحجه الحرام ۱۳۵
- تشریفات روز عید غدیر به تاریخ یوم یکشنبه هجدهم ذی‌الحجه الحرام ۱۲۷۳ ۱۳۶
- در باب وقایع در شهر محرم الحرام که به [ناخوانا] خامس آل عبا جناب سیدالشهدا - علیه‌السلام - است ۱۳۸
- تشریفات از بابت بیرون آوردن علم‌ها از اندرون به تاریخ هفتم محرم الحرام ۱۴۰
- وقایع شهر صفر المظفر در باب تشریفات روز عید مولود مبارک در ششم شهر صفر المظفر ۱۴۳
- سایر روزها در شهر صفر ۱۴۵
- در باب وقایع در نگارستان ۱۴۶
- در باب وقایع شهر ربیع‌الاول ثیلان‌نیل ۱۲۷۳ ۱۴۹
- تشریفات ورود جناب فخرامتناسب موسیو بارون پیشون وزیرمختار دولت بهیسه فرانسه به دارالخلافه تهران به تاریخ یوم پنجشنبه دوازدهم شهر جمادی‌الثانی ثیلان‌نیل سنه ۱۲۷۳ ۱۵۰
- تشریفات ورود وزیرمختار به تاریخ پنجشنبه ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۵۰
- تشریفات جناب وزیرمختار فرانسه روز شرفیایی به حضور مهرظهور اعلیحضرت اقدس همایونی - روحنا فداه - به تاریخ یوم یکشنبه دوازدهم شهر جمادی‌الثانی ثیلان‌نیل سنه ۱۲۷۳ ۱۵۳
- فصل هفتم (در تاریخ عزل و نصب حکام محروسه) ۱۵۹

تشریفات ولیمهدی نواب مستطاب اشرف والا امیر کبیر نظام - روحی فداه - یوم دوشنبه چهاردهم شهر ربیع الاول	۱۵۹
..... ۱۲۷۴ نیلان نیل	
سواد فرمان ولیمهدی	۱۸۳
سواد دستخط همایون	۱۸۸
سواد فرمان وزارت و پیشکاری جناب نظام الملک	۱۸۹
هوالمستعان کتابچه تشریفات	۱۹۹
در باب تعیین سلام	۱۹۹
اسب دوانی به تاریخ سهشنبه یست و یکم شهر ربیع الاول نیلان نیل ۱۲۷۴	۲۰۳
وقایعات شهر ربیع الثانی نیلان نیل ۱۲۷۴	۲۰۴
تشریف فرمایی موکب همایون به شکارگاه طاجرود به تاریخ یوم چهارشنبه چهاردهم ربیع الثانی و مراجعت یوم یکشنبه یست و پنجم جمادی الاول]	۲۰۴
وقایعات شهر جمادی الاول	۲۰۷
تشریف فرمایی موکب فیروزی کوکب همایونی به شکارگاه کن به تاریخ یوم پنجشنبه سیم شهر رجب المرجب	۲۰۸
..... ۱۲۷۴ نیلان نیل	
پیشکش حضور همایون	۲۱۰
وقایعات ورود به شهر از شکارگاه کن شهر رجب المرجب نیلان نیل ۱۲۷۴	۲۱۵
وقایعات در شهر شعبان المعظم یونت نیل سنه ۱۲۷۴	۲۱۶
پیشکش ولایات که در روز هفتم عید نوروز که یازدهم ماه شعبان باشد از حضور مبارک نوشته	۲۱۶
وقایعات در قصر قاجار به تاریخ یوم دوشنبه یستم شهر شعبان المعظم	۲۲۰
ورود به شهر در روز دوشنبه یست و هفتم از اسب دوانی	۲۲۲
شهر رمضان المبارک یونت نیل ۱۲۷۴	۲۲۲
بقیه شهر رمضان المبارک	۲۲۴
وقایعات شهر شوال المکرم یونت نیل ۱۲۷۴	۲۲۵
وقایعات در نیاوران و تشریف فرمایی موکب همایون به ییلاق نیاوران به تاریخ یوم یکشنبه غره شهر ذی القعدة الحرام یونت نیل ۱۲۷۴	۲۲۶
وقایع حرکت از نیاوران به سمت رودبار	۲۲۸
کتابنامه	۲۴۰
نمایه	۲۴۳

پیشگفتار

«تشریفات» از مصدر «تشریف» و ریشه «شرف» گرفته شده و در زبان عربی، «شرف» به معنای «مجد»، «علو» و «بزرگی» است. در بعضی از کتب لغت «تشریفات» به معنی «آداب و رسومی که در استقبال و دیدار دولتمردان به کار می‌رود»، آورده شده است. در فرهنگ معین، در تعریف «تشریفات» آمده است: «مراسم و لوازم پذیرایی آبرومندانه». در لغت نامه دهخدا/ دو معنای متفاوت از آن شده است: «آرایش و زینتی که جهت پذیرایی میهمان محترم در خانه دهند و آنچه از مأكول و مشروب حاضر نمایند؛ و معنای دوم «تکلفی که میزبان جهت خوشگذرانی میهمان کند». مفهوم دیگر تشریفات، «ترتیبات» است. بدین معنی که روش و سبک انجام هر کاری توسط فرد یا گروهی کارشناس توصیه و یا بر اثر تداوم و تکرار برخی از امور و انتخاب بهترین آنها تثبیت شده است. تشریفات در این معنی، با «آداب» مترادف است.

در ایران قبل از اسلام، تشریفات گاه به معنی ترتیبات خاص و زمانی به مثابه انجام مراسمی با شکوه و ویژه بوده است. براساس منابع و مدارک تاریخی، از تخت جمشید تنها در مواقع برگزاری مراسم و تشریفات خاص مانند جشن نوروز استفاده می‌شده است. محل جلوس مقامات داخلی مشخص بوده، هر یک از آنها جایگاه مشخصی داشته و میزان نزدیکی محل نشستن هر کدام به تخت شاه، معیار و نشانه اهمیت مرتبه او بوده است؛ مثلاً مقام افراد نشسته بالاتر از افراد ایستاده، و قرار گرفتن در سمت راست شاه مهمتر از سمت چپ بوده است. اگر کسی را در جایی فروتر از مقام او قرار می‌دادند، نشانه آن بود که شاه نسبت به او بی‌مهر شده است. نمایندگان ملل نیز بر

اساس نقوش حجاری باقی مانده با تشریفات و ترتیباتی خاص از پلکان بالا رفته و وارد کاخ می‌شدند. نقوش پلکان کاخ آپادانا نوع هدیه‌ای را که نمایندگان ملل برای تقدیم آورده‌اند، نشان می‌دهد. برای ملاقات با شاه، افراد می‌بایست از رئیس تشریفات کسب اجازه کنند. رئیس تشریفات نیز در روز موعود او را تا حضور شاه همراهی می‌کرد و معمولاً از مقامات لشکری، از طبقه اشراف و گاهی نیز از بستگان نزدیک شاه بود. با سقوط سلسله ساسانی، ورود اسلام به سرزمین ایران و به دنبال آن فتح کشور توسط قوم‌های مختلف ترک و مغول، آداب و رسوم ایران قبل از اسلام بر قوم‌های فاتح تأثیر گذاشت و در دربار آنان رایج شد. مقام رئیس تشریفات که در زمان ساسانیان «هندمان گران سالار» می‌نامیدند، به عناوین مختلف دیگری چون «سالاربار» و «برده‌دار» و در دربار عباسیان تحت عنوان «حاجب الحُجَّاب» تغییر نام داد.

ابن مقفع و خاندان برامکه نیز نقش و سهم مهمی در انتقال آداب و رسوم ساسانیان به خلافت اسلامی ایفا کردند. یکی از منابع مهمی که درباره قوانین و نظامات معمول عصر خلفای عباسی حاوی اطلاعات مهمی است، کتاب تاج آیین کشورداری در ایران و اسلام^۱ است. مؤلف در این اثر بسیاری از رسوم عرب را که دربار خلفا و بار عام ایشان همچون پذیرایی‌ها، مهمانی‌ها، حضور یافتن مشایخ و بزرگان و آداب و رسومی که مکت عرب از آداب ایرانیان و روش سیاسی آنها اقتباس کرده‌اند، نگاشته است.^۲ دیگر کتاب رسل الملوک یا سفیران^۳ است که یکی از منابع مهم و سودمند

^۱. این اثر تألیف ابوعثمان عمرو بن بحر جاحظ است که نخستین بار به کوشش احمد زکی پاشا انتشار یافت و در ایران توسط حبیب‌الله نوبخت در سال ۱۳۸۶ ترجمه و در انتشارات آشیانه کتاب منتشر شد.

^۲. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص نک: مقدمه کتاب.

^۳. این اثر تألیف ابن الفراء است که دکتر صلاح‌الدین منجد آن را تصحیح و پرویز اتابکی به زبان فارسی ترجمه و در سال ۱۳۶۳ در سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی منتشر کرده است.

تاریخ دیپلماسی شرق و اسلام به شمار می‌رود. این اثر که در اواخر قرن سوم هجری قمری نوشته شده و اختصاص به سفرها دارد، نخستین نوشته منظم و مدونی است که در تاریخ اسلامی در این باب به دست ما رسیده است. مؤلف خود با خلفای مغرب در ارتباط بوده و مطالبی درباره روابط سیاسی عصر عباسی آورده است. صلاح‌الدین منجد ضمیمه‌ای به نام «فصولی در دیپلماسی» شامل رسولان و سفیران در بلاد غرب و ممالک عرب نیز بر آن افزوده است. وی در این بخش، با عنوان «نظری به سفارت در حکومت‌های اسلامی» به ذکر مراسم و تشریفات که در بلاد اسلامی در امر انتخاب و اعزام سفیر و ارسال معرفی‌نامه و پذیرش و استقبال آنان معمول بوده، پرداخته است. تاریخ بیتهقی و قابوسنامه نیز درباره رسوم دربار سامانیان و کتاب سیاست‌نامه راجع به آداب و رسوم دوره سلجوقیان اطلاعات سودمندی به دست می‌دهند.

در دوره صفویه، مقام رئیس تشریفات به «ایشک آقاسی‌باشی» تغییر نام داد و تا پایان عصر قاجار به همین نام باقی ماند، بعد نام «رئیس تشریفات دربار» گرفت. از آنجایی که در همه ادوار تاریخ ایران، دارندگان این مقام از نفوذ و منزلت زیادی برخوردار بودند غالباً در جریان توطئه‌هایی که به خلع یا قتل فرمانروا مربوط بود دست داشتند و مقام بالاتری کسب می‌کردند.

با نگاهی به تاریخچه تشریفات در ایران باید گفت تشریفات از هزاران سال پیش بخش از زندگی روزمره مردم را تشکیل می‌داده است، نقوش، سنگ‌نوشته و حجاری‌های بازمانده از گذشته نشانگر آن است که مقررات خاصی برای انجام کلیه امور وجود داشته است. با آن که تشریفات ابتدا صرفاً یک آداب و رسوم در نشست و برخاست‌های درباری بود، ولی با گذشت زمان، اینگونه آداب و آیین در میان اقشار مختلف مردم به فراخور توان اقتصادی و مالی نضج گرفت.

در ایران عصر قاجار به دلیل ارتباط دیپلماتیک با سایر دول اروپایی و تأسیس کنسولگری و سفارتخانه‌ها و سایر اماکن سیاسی این ممالک در ایران و سفرهای برخی از پادشاهان این سلسله به کشورهای اروپایی، آداب و آیین تشریفات ممالک

اروپایی در ایران ابتدا در سطوح درباری و سپس در میان قاطبهٔ اقشار جامعه (اقشار مرفه و رجال درباری) نیز نفوذ یافت.

چنان که از سفرنامه‌های این عصر بر می‌آید در ابتدای این دوران با این که وزارت خارجه هنوز شکل نگرفته بود، آداب و تشریفات دیپلماتیک به امر شاه با تعیین مهماندار و هیأت میزبان برای سفرا و مأمورین خارجه صورت می‌گرفت. جیمز موریه که در دوران فتحعلی شاه به ایران آمده در این باره می‌نویسد: «در کشورهای خاور زمین گماشتن مهماندار برای پذیرایی از ایلچی بیگانه در شمار تکالیف‌ها و آداب است و درجهٔ اعتبار ایلچی و دربار مربوط به او از مقام مهماندارش آشکار می‌شود.»^۱

این سفرا و مأمورین خارجی بر اساس موقعیت و مقامی که داشتند مورد پذیرایی و توجه قرار می‌گرفتند. رابرت گرانت واتسن می‌نویسد: «سرجان [کمپل] معتقد بود نماینده‌ای که اختیارات خود را مستقیماً از دولت انگلیس دریافت کرده باشد نفوذ بیشتری در دربار ایران خواهد داشت. بنابراین، با پیش آمدن پادشاهی محمدشاه فرصت مناسبی برای تغییر وضعیت هیأت سیاسی انگلستان در تهران فراهم شد.»^۲ اهمال و کم‌کاری در امر تشریفات مستوجب تنبیهات شدید بود. چون یکی از ژنرال‌های روس از طرف دولت خود با عباس میرزا نایب‌السلطنه در تبریز دیدار کرد و بدون توجه به آداب و رسومات ایران که به هنگام حضور در برابر حاکم باید پای افزار خود را درآورند بر عباس میرزا وارد شد، نایب‌السلطنه امر به تنبیه رئیس تشریفات کرده و وی را به چوب بستند.^۳ در خصوص درآوردن پای افزار جیمز موریه و حتی مسافره‌ای دیگری که بعد از دورهٔ فتحعلی‌شاه به ایران آمده‌اند، بحث‌های جالبی را مطرح می‌کنند. موریه در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «برای دیدن پادشاه همگی نعلین سبز پاشنه

^۱. سفرنامه جیمز موریه، ج ۱، ص ۷۹؛ تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸....، ص ۲۲۵

^۲. تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸....، ص ۲۷۲

^۳. سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی به روسیه، ص ۴۸

بلند و جوراب قرمز پاشنه بلند با جامه رسمی دربار که پیوسته در پیشگاه شاه باید بر تن داشت، پوشیدیم ... بعد از تشریفات ما پای‌افزار را از پای بیرون کرده، به پیش‌گاه شاه رفتیم.^۱ ظاهراً این رسم در دوره بعدی نیز رواج داشته است اما با تغییراتی که در روند آداب دیپلماتیک حادث گردید این تشریفات برجیده شد و از دوره محمدشاه به بعد سفرای دول خارجه با سبک لباس رسمی دربار ایران به محضر پادشاه نمی‌رفتند و با لباس کشور خود تشریفات بار یافتن به حضور پادشاه را انجام می‌دادند.

گاسپار دروویل که در عصر فتحعلی‌شاه به ایران سفر کرده است در کتاب سفر در ایران اطلاعات مهمی در حوزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دست می‌دهد: «در تشریفات رسمی دربار کلاه را با شال می‌آرایند و کلیه مأمورین دیوانخانه باید چنین کلاهی را بر سر و لباس رسمی را بر تن کنند. لباس مزبور عبارت از روپوشی است که با پوست یا پنبه‌دوزی آستر شده است و تا روی زانو می‌رسد. یقه این لباس از پوست سمور است و تا روی شانه‌ها می‌افتد.»^۲ نشستن در پیش‌گاه پادشاه برای کسی جایز نیست اما کسانی از این قانون مستثنی بودند. خویشاوندان شاه، شاعران، دانشمندان، روحانیون و ایلچیان از این جمله‌اند حتی بلندپایه‌گان کشور هم حق نشستن در پیش‌گاه شاه را نداشته‌اند.^۳ اختلاف در شیوه‌های آداب دیپلماتیک گاهی سبب ناراحتی سفرا و ایلچیان را نیز فراهم می‌کرد در ایران معمولاً سه یا پنج روز را مقرر می‌کردند سفیر یا ایلچی استراحت بکند و بعد فوراً به دیدار شاه برود. این کار جهت احترام و اعتبار به سفیر انجام می‌پذیرفت اما چون این رسم در کشوری مثل انگلیس جایی نداشت، هنگامی که ابوالحسن‌خان ایلچی به لندن رفت مدت زیادی معطل ماند تا به خدمت پادشاه انگلیس برسد در حالی که در ایران دیر شدن این آیین‌ها نشانه

۱. سفرنامه جیمز موریه، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۶

۲. سفر در ایران، ص ۱۹۲

۳. سفرنامه جیمز موریه، ج ۱، ص ۳۱۴

بی‌اعتنایی بود.^۱ در ایران در هر منزلی که ایلچی خارجی فرود می‌آمد، مردم گروه گروه به استقبال وی می‌رفتند در حالی که میرزا ابوالحسن در لندن چنین چیزی را مشاهده نکرد، تنها دو کالسکه با چند نفر محدود میزبانان او بودند.^۲ از آداب مهم دیگری که بین دو مقام از کشورهای مختلف روی می‌داد برخورد اول با ایلچی بیگانه بود. سپهر در *ناسخ‌التواریخ* می‌نویسد: «زمان آمدن الکساندر یرملوف، حسین‌خان سردار به قانون اهالی یوروپ که علامت محبت نهاده‌اند دست سفیر روس را فشار داد.»^۳ این رسم در دستورالعمل‌های صادر شده در عصر ناصری نیز گنجانده شد. زمان حضور در مقابل پادشاه در ایران رسم بر این بود که سه بار سر فرود آورند و این قانون را سفرای ایران در دول خارجه نیز رعایت می‌نمودند.^۴ از مهم‌ترین بخش‌های دیگری که در سفارت‌ها و در آداب دیپلماتیک مطرح است قضیه هدایا و تحف سفر است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دیگر آداب دیپلماتیک در رابطه با سوگواری‌ها و تهنیت جلوس‌ها بود. «در جریان قتل حاجی خلیل خان مستر منستی و همراهان او که برای عذرخواهی از قتل سفیر به دربار ایران آمده بودند بالیوز بصره - مستر منستی - با لباس‌های نیلی‌فام که نشانه ماتم و سوگواری بود روانه دربار شاه گشت.»^۵ این امر نشان از اهمیت رسوم کشورها در آداب دیپلماتیک دارد.

در عصر ناصری شیوه به جای آوردن تشریفات و آداب دیپلماتیک با دو دوره قبل از خود تفاوت یافت و این ناشی از نظام‌مند شدن دستگاه دیپلماسی قاجاری بود. رعایت نکردن تشریفات مذکور مشکلاتی را در امور سیاسی نیز به وجود می‌آورد.

۱. همان، ج ۲، ص ۴۴۷

۲. *ناسخ‌التواریخ*، ج ۱، ص ۱۷۲، ۴۴۷

۳. همان، ج ۲، ص ۴۴۶

۴. همان (۱۳۳۷)، ج ۲، ص ۹۶

۵. تاریخ ذوالقرنین، ج ۱، ص ۱۹۸-۱۹۷

آدریان هی‌تیه در *یادداشت‌های سیاسی دوگوبینو* در این باره می‌نویسد: «صدراعظم [آقاخان نوری] به من [دوگوبینو] پیغام داد که کاردار ایران در سن پترزبورگ در شام رسمی که به مناسبت جشن تولد شاه داده فراموش کرده بود جام خود را به سلامتی پادشاهانی که سفرایشان در مجلس حضور داشتند بلند کند و این اشتباه موجب گردید کاردار فرانسه به وی تذکر بدهد. صدراعظم اصرار دارد که این حادثه را با جنابعالی در میان بگذارم و بگویم تنها عدم حضور ذهن یا عدم آشنایی به آداب و رسوم دیپلماتیک باعث این کوتاهی میرزا محمدقاسم خان شده است زیرا در مورد اعلیحضرت امپراتور فرانسه دولت ایران و مأموران سیاسی آن نمی‌توانند مظنون به بی‌احترامی یا بی‌محبتی و حق‌شناسی بشوند.»^۱

با تأسیس دستگاه دیپلماسی خارجی در عصر قاجار و به دنبال آن گسترش روابط سیاسی ایران با دول خارجی، نهادی به نام وزارت امور خارجه به سبک وزارتخانه‌های اروپایی در ایران به سال ۱۲۹۹ هـ.ش با تشکیلاتی نسبتاً مفصل دوباره تأسیس شد. وزارتخانه جدید شامل چهار بخش بود که به ترتیب به امور مربوط به انگلستان، روسیه، ترکیه و کشورهای غیر همجوار می‌پرداخت. علاوه بر چهار بخش مذکور، پنج دایره پشتیبانی شامل امور بازرگانی، تشریفات، ترجمه و رمز، آرشیو و حسابداری نیز به وزارت امور خارجه جدید منضم گردید.

آن‌چه مسلم است درباره دستورالعمل تشریفات، آداب استقبال و نحوه پذیرایی از هیأت‌های دیپلماتیک در منابع عصر قاجار اطلاعات پراکنده‌ای وجود دارد، لذا تنها با کندوکاوی در متون خطی یا چاپ شده از آن دوران است که می‌توان در این باره اطلاعاتی به دست آورد. بر اساس فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه سنا نسخه خطی با نام «مجموعه اسناد و قراردادها و عهدنامه‌های سیاسی مربوط به ایران با دول خارجه» (مشمول بر ۱۳ رساله سیاسی) به شماره ۱۴۰۵ موجود است که سه رساله آن (شماره

۱. یادداشت‌های سیاسی کنت دوگوبینو در ایران، ص ۱۹۰

۲،۴ و ۱۳) مربوط به تشریفات، آداب استقبال و نحوه پذیرایی از هیأت‌های دیپلماتیک در عصر قاجار است که پژوهشگران داود نظریان و سید محمدحسین مرعشی آن را در مجله پیام بهارستان (دوره دوم، سال دوم، شماره هفتم، بهار ۱۳۸۹) به چاپ رسانده‌اند. این سه رساله به جهت بیان سابقه آموزش و تربیت افراد برای رعایت اصول دیپلماتیک در چگونگی رفتار و سخن گفتن با افراد و هیأت‌های خارجی در دوره قاجار حائز اهمیت است. اخیراً مجدالدین کیوانی نیز نظامنامه مأمورین وزارت خارجه را که از مؤلف یا مترجمی ناشناس و احتمالاً متعلق به نیمه دوم عصر قاجاری است تصحیح و منتشر کرده است.^۱ پدیدآورنده این اثر مطالب خود را کلاً از مآخذ فرنگی و به احتمال قوی از فرانسوی اقتباس و به صورت نوعی ترجمه و تالیف عرضه کرده است. این اثر شامل اطلاعاتی مبسوط درباره مأموران سیاسی و غیر سیاسی کشوری به کشور دیگر، روش گرینش، شرایط و امتیازات و معافیت‌های آنها در ممالک بیگانه و آداب و تشریفات است که هریک از آنها باید نسبت به مدیران، مسئولان و مردم غیر سیاسی محل مأموریت رعایت کنند و نیز تعهداتی که در قبال دولت متبوعه خود دارند. باب ششم آن اختصاص به «تشریفات دیپلماتیکی» دارد و فصل سی و هفتم آن در خصوص تشریفات عموماً است. در این بخش از این اثر آمده است:

در هر و عهد زمان، خلایق مقید رسوم و احترام و امتیازات بوده‌اند، یعنی آداب و تشریفات و نشان‌ها به طور یقین مشخص است که آداب از مخترعات انسانی نبوده، بلکه فطری و جلی نوع بشر است. در صورتی که میان قبایل و عشایر وحشی هم بعض رسوم و تشریفات و امتیازات برای رؤسا مقرر است، به طریق اولی برای ملل متدنه که بین آنها مواسات و مساوات از قبیل افسانه است اختلاف شئون ملاحظه خواهد شد. تمدن مانند دستگاهی است که هریک از اجزاء آن نسبت به دیگری متفاوت است و به اتفاق حرکت می‌کند و باید متوجه شد که مخلوط یکدیگر نشوند. از آنجاست که احترامات و طاعات و آداب و حمایات و ریاسات از مکالمات و بیانات به مکاتبات و مراسلات رسیده است.

^۱ نک: کیوانی، مجدالدین، نظامنامه مأمورین وزارت خارجه، پیام بهارستان (فصل‌نامه اسناد، مطبوعات و متون)، دوره دوم، سال سوم، ویژه‌نامه قانون و حقوق، شماره اول، پاییز ۱۳۹۰، ص ۳۸۷

تشریفات معموله باعث استقرار نظم و علائم محکومیت و انقیاد و مانع از جسارت و بی‌ادبی بین مخلوق می‌شود. خلاصه تشریفات قانون نامه آداب و رسوم است و حافظ مراتب و درجات بنابر حقوق و امتیازات حاصله و عادات متداوله که نسبت به هر درجه و رتبه تغییر می‌پذیرد، تشریفات را منقسم به چند قسمت کرده‌اند: تشریفات درباری با خارجه که خاصه سلاطین و خانواده آنها است. تشریفات دیپلماتیکی که مخصوص به احترامات و امتیازات مامورین خارجه است نسبت به درجه شئون و رتبه آنها. تشریفات دفتر رسائل که تعیین القاب و عنوانات و تشخیص اصطلاحات متداوله در مکاتبات کند.

تشریفات بحریه احترامات و آدابی را که در کشتی‌ها در حق سلاطین و شاهزادگان و سفرا و قونسول‌های مامور منظور می‌شود، مشخص می‌نماید.^۱

باب دهم در خصوص تشریفات دربارها با تشریفات خارجه و فصل شصت و سوم در باب اصول تشریفات دربارها است.^۲

شرح حال مؤلف

میرزا علی خان مقدم مراغه‌ای، فرزند حسین خان مقدم مراغه‌ای بود که به نوشته محمدحسن خان اعتمادالسلطنه نسب به جوجی‌خان پسر چنگیزخان مغول می‌رساند^۳ ولی بر اساس اسناد و مدارک تاریخی این نسب‌سازی صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا ظاهراً این خاندان از طوایف کرد مقدم ساکن در مراغه و زنجان بوده^۴. که از زمان صفویه وارد کارهای دولتی شده، در سپاه به خدمت پرداخته‌اند و از آنجا که در جنگ‌های آن دوران به ویژه جنگ‌های ایران و روس پیشقدم بودند، به «مقدم مراغه‌ای» شهرت یافتند. خان‌ملک ساسانی، مورخ معاصر، درباره پیشینه این خاندان و علت

^۱ همان، ص ۴۲۳

^۲ همان، ص ۴۵۵-۴۵۸

^۳ تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۵۸۰-۱۵۸۲

^۴ همراه‌البلدان، پیشگفتار، ص دو

شهرت آنان به «مقدم» می‌نویسد:

طایفه مقدم که در مراغه و زنجان و سرحدات ترکیه سکونت دارند از زمان صفویه در جنگ‌ها پیشرو بودند و رؤسایشان مصدر خدمت بزرگ شده و همیشه خدمتگزار دولت بودند. علی‌خان مقدم با سوار و پیاده از مراغه در رکاب شاه به هندوستان رفته و پسرش احمدخان مقدم پس از قلع و قمع صادق‌خان شقاقی بیگلربیگی آذربایجان در شورشی که ارامنه ایروان در زمان سلطنت فتح‌علی‌شاه کردند، مشارالیه به والی‌گری ایروان مأمور شده و غائله آنجا را با حسن وجه خاتمه داد. پسرش حسین پاشا خان با سه فوج پیاده مراغه و دویت و پنجاه سوار مقدم و یکصد و بیست توپچی مراغه در رکاب سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه هرات را محاصره کرده و اولین سرکرده‌ای بود که با افواج و سواران خود وارد قلعه هرات شد. اسکندرخان مقدم پسر حسین پاشا خان در ایامی که با سواران مقدم مراغه مأمور سرکوبی تراکمه بود در صحرای کوکلان کشته شد و در استراباد مدفون گردید.^۱

چون حسین خان مقدم مراغه‌ای به دربار عباس میرزا نایب‌السلطنه راه یافت، میرزا علی‌خان که آن هنگام ده سال بیشتر نداشت، به سمت غلام‌بچگی مخصوص محمد میرزا ولیعهد (محمد شاه بعدی) انتخاب شد.^۲ با انتصاب پدر به منصب پیشخدمت باشی‌گری نایب‌السلطنه و بعد محمد میرزا ولیعهد، علی‌خان نیز به نیابت پدر گمارده شد و مدتی نیز سمت صندوقداری او را یافت. با جلوس محمد شاه بر تخت سلطنت، علی‌خان همراه او به تهران آمد و در دربار مشغول به کار شد. بعد به سمت نظارت و خوان‌سالاری دربار منصوب گردید و لقب‌خانی گرفت. همچنین جهت تأمین مخارج آشپزخانه شاهی حکومت کاشان، تهران و بلوکات اطراف به او واگذار شد.^۳ علی‌خان که همیشه مورد حمایت و اعتماد مهدعلیا، ملکه و همسر محمد شاه، بود در سال ۱۲۶۱ هـ.ق بابت شکایت فاطمه خانم چهریقی، همسر دوم محمد شاه و مادر عباس

۱. سیاستگران دوره قاجار، ص ۱۶۹، ۱۷۹

۲. شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۳۷۴

۳. تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۵۸۳، ۱۵۸۲

میرزا ملک آرا، متهم به سوء استفاده مالی از اموالش شد.

حاج میرزا آقاسی در یکی از مراسلاتی که در همین ایام با محمد شاه داشت به وی نوشت:

«در باب علی خان ناظر عرض می‌شود پدرش به جهت خلاف با بنده رفت و در مراغه وفات یافت و خودش به واسطه خیانت به مال پادشاه دین پناه - روحنا فداه - گرفتار آمد. زیاده‌تر نترسانند که او هم تلف شود همه مالها از بین می‌رود. به آرام و استادی مالها را از او بخواهند»^۱.

بنابراین، علی خان مورد غضب شاه واقع شد به طوری که علاوه بر چوب خوردن و داغ شدن، از شغل نظارت نیز معزول و اموالش مصادره گردید.^۲ از این رو از بیم جان به قم رفت و در آنجا تحصن گزید ولی صدرالممالک اردبیلی، حاکم قم، به دستور محمد شاه با نیرنگ‌هایی او را از بست‌نشینی بیرون آورده و مغلولاً به تهران فرستاد. او مدتی در تهران زندانی بود تا این که عاقبت با وساطت حاج میرزا آقاسی از زندان رهایی یافت، به عتبات عالیات رفت و تا هنگام وفات محمد شاه در آنجا ماند. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در این باره می‌نویسد:

سه سال قبل از فوت محمد شاه که پدرم خوان سالار بود، به واسطه تهمتی مردود شد و از وحشت هشت ساعته از نیاوران شمیران به قم آمد و در جوار حضرت معصومه بستی شد، اما به دستور شاه او را از بست بیرون کشیده و مغلولاً به تهران برگرداندند. پدرم یکسال در زندان دیوان به زنجیر بود اما خودش نریختند و بعد مرخص عتباتش نمودند.^۳

علی خان سپس با حمایت مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه به ایران بازگشت و در تبریز نزد مهدعلیا و ناصرالدین میرزا ولیعهد ساکن شد و تحت حمایت مهدعلیا قرار گرفت.

عباس اقبال آشتیانی نیز در مقدمه کتاب شرح حال عباس میرزا ملک آرا می‌نویسد:

«علی خان همراه مادر محمد شاه به مکه رفت و برای محرمیت او را صیغه کرد. اما

^۱. شرح حال عباس میرزا ملک آرا، ص ۲۳

^۲. شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۳۷۴

^۳. روزنامه خاطرات، ص ۶۳۷

بعد از بازگشت از سفر مکه، در تبریز خود را علی‌رغم وجود مادر عباس میرزا ملک‌آرا، به مهدعلیا نزدیک ساخته به طوری که همراه او به تهران آمده و چون محمدشاه دارفانی را وداع گفت و مهدعلیا موقتاً زمام امور را در دست گرفت، او را ناظر خود و مأمور وصول مالیات گیلان کرد.^۱

او در مدت کوتاهی نظم را در آنجا برقرار ساخت و مالیات فراوانی از مردم آنجا گرفت، سپس به تهران بازگشت و در سال ۱۲۶۵ هـ.ق پس از عزل اسمعیل خان قراچه‌داغی از سمت فراش‌باشی، از طرف امیرکبیر به جای او منصوب گردید و با این سمت مشغول به کار شد. حاجب‌الدوله فراش‌های دولتی را با نشان‌دار کردن کلاه و اسلحه و لباسشان، از فراش‌های معمولی متمایز کرد؛ فراش سواره ایجاد کرد. عباس اقبال آشتیانی بر آن است که علت حمایت امیرکبیر از علی‌خان و دادن لقب حاجب‌الدوله به وی، نقش علی‌خان در آرام کردن شورش افواج آذربایجانی مقیم تهران بوده است.^۲

علی‌خان در سال ۱۲۶۷ هـ.ق اداره و اختیار کلیه عمارات دیوانی یافت. در همین ایام، اداره امور باغ‌ها، مهمانخانه، معمارخانه، سرایدارخانه و خیاطخانه دولتی، امور تشریفات سفیران دولت‌های خارجی، محصلی وجوهات خزانه اندرون و حکومت ناحیه خوار هم به او واگذار شد.^۳ در ۱۲۶۸ هـ.ق در ماجرای اقدام باییه برای ترور ناصرالدین‌شاه و دستگیری بسیاری از آنان، حاجب‌الدوله حدود هشتاد نفر از ایشان را مجازات کرد، از جمله گوش شیخ‌علی ترشیزی، از پیروان باب و از عاملان اصلی ترور، را با چاقو برید و سپس اعدامش کرد.^۴ میرزا علی‌خان اما با وجود محبت‌های

۱. شرح حال عباس میرزا ملک‌آرا، ص ۲۳

۲. همان، ص ۱۹

۳. تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۵۸۳

۴. ناسخ‌التواریخ، ج ۳، ص ۱۱۸۷-۱۱۸۸، ۱۱۹۰؛ تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۵۸۴، شرح

حال رجال ایران، ج ۲، ص ۳۸۴

امیرکبیر، همراه مهدعلیا و میرزا آقا خان نوری در زمرة مخالفان وی درآمد و در توطئه قتل او که توسط مهدعلیا و میرزا آقا خان نوری و کلنل شیل، کاردار سفارت انگلیس، و کلنل فرانت از افسرهای انگلیس مقیم ایران ریخته شد، همدست شد و در سال ۱۲۶۸ هـ ق بلافاصله پس از آن که ناصرالدین شاه در حال مستی حکم قتل امیرکبیر را داد، میرزا علی خان اعتمادالسلطنه بی درنگ حکم را شبانه برداشت، به فین کاشان رفت و آن را به اجرا گذاشت.

واتسن انگلیسی در کتاب خود در رابطه با میرزا علی خان اعتمادالسلطنه می نویسد: «مردی که داوطلب شد بدون آن که زن امیر نسبت به حادثه مظنون شود امیر را به قتل برساند، شخصی به نام علی خان صاحب الدوله بود. او ماجراجویی زیرک و بی مایه به شمار می رفت. امیر وی را به خدمت شاه درآورد و فراش باشی همایونی شد که مقامی نسبتاً مهم است. او برای این که به سرور جدید خود خوش خدمتی کرده باشد، داوطلب شد که جلاد ولی نعمت خود گردد. از این رو هنگامی که به کاشان آمد، پاسبانان وزیر سابق خوشحال شدند، چون می دانستند زندگانی این مرد از امیر است و لابد خبری خوش آورده است!»

متن دستخط ناصرالدین شاه چنین بود:

«چاکر آستان ملائیک پاسبان، فدوی خاص دولت ابدمدت، حاجی علی خان پیشخدمت خاصه،

فراش باشی دربار سپه اقتدار، مأموریت دارد که به فین کاشان رفته میرزا تقی خان فراهانی را راحت نماید و در انجام این مأموریت، بین الاقران مفتخر و به مراجع خسروانی مستظهر بوده باشد!»

امیرکبیر با خواندن این دستخط، خواست تا به عزت الدوله پیغام دهد و خداحافظی کند و یا این که وصیت نامه ای بنویسد، لیکن علی خان اجازه چنین کاری را نداد و او را به قتل رساند و بلافاصله به جانب تهران رهسپار گردید.^۱ حاجب الدوله در نامه ای نوشته که این کار نشانه «غیرت ملی و نمک خوارگی» او بوده و به منظور مقابله با امیر - که خود را «به دولت کفر بسته بود» - به آن مبادرت کرده و از بدنامی متعاقبش نیز

^۱. حقایق الاخبار ناصری، ص ۱۰۴ - ۱۰۵؛ امیرکبیر و ایران، ص ۴۹۳ - ۴۹۶؛ خاطرات لیدی

نهراسیده است.^۱ به پاداش قتل امیرکبیر، میرزا آقاخان نوری صدراعظم از کنت دو گوینو تقاضا کرد نشان درجه دوم لژیون دونور از سوی دولت فرانسه به حاجب الدوله داده شود.^۲ از مناسبات بسیار حسنه حاجب الدوله و راولینسون، وزیرمختار بریتانیا، در ایران نیز گزارشی وجود دارد.^۳

مورخین عصر قاجار غالباً در آثار خود ماجرای قتل امیرکبیر را به دستور شاه تشریح نکرده‌اند و تنها خورموجی در حقایق الاخبار و محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در *مراه‌البلدان*^۴، تاریخ منتظم ناصری^۵ و *صدرالتواریخ* اشاره‌ای به کشته شدن امیرکبیر دارند. اعتمادالسلطنه در *صدرالتواریخ* راجع به مرگ امیرکبیر می‌نویسد:

چون خواست به تدبیرات قدمی بالاتر گذارد، دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد. دید آن‌چه را که سزا بود و چشید آن‌چه را که جزا باشد. به هوای تخت خود را به تخته کشید و به سودای یاور و افسر خود را پاره و بی‌سر ساخت، به جای صمصام نشتر دید و در عوض گلشن گلخن یافت، مانند فضل بن سهل بین آب و آتش درآمده و در حمام فین کاشان به کاشانه دیگرش دادند. خیالات خام صفرای که در او ظهور یافت، حکیم کامل حکم به فصدش کرد تا فساد بدن او به سایر ابدان بنی نوع انسان سرایت نکند و ملک جهان را به آشوب نیندازد، قصدش کردند و فصدش نمودند و از زحمت ناخوشی دماغ و مرض مالبخولیا راحتش کردند.^۶

اعتمادالسلطنه بعد برای توجیه کار پدر و یا به نوعی کم‌رنگ کردن نقش او در این واقعه، متن حکم قتل امیرکبیر را در *روزنامه خاطرات* خود به چاپ رساند:

چاکر آستان ملائک پاسبان فدوی خاص دولت ابد مدت حاج علی‌قلی خان پیشخدمت

^۱. چهل سال تاریخ ایران، ج ۲، ص ۴۷۳

^۲. گزارش‌های سیاسی کنت دو گوینودر ایران، ص ۱۲۹، ۱۳۷

^۳. مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین الدوله، ص ۳۶۹

^۴. *مراه‌البلدان*، ج ۲، ص ۱۱۱۵

^۵. تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۷۲۸

^۶. *صدرالتواریخ*، ص ۱۹۸

خاصه فرارش باشی دربار سپهراقدار مأموریت داد که به فین کاشان رفته میرزا تقی خان
فراهانی را راحت نماید و در انجام این مأموریت بین الاقران مفتخر و به مراحم خسروانی
مستظهر بوده باشد.

و در جای دیگر می نویسد:

خلاصه قرعه این خدمت را که فایده عمومی داشت به نام والد مؤلف، حاج علی خان
اعتمادالسلطنه زدند، او محض امتثال امر دولتی چند نفر از عوانان و دژخیمان، همراه
برداشته به چاپاری روانه کاشان شد....

اما علی رغم تلاشهای محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در توجیه کار پدر، میرزا
علی خان نه تنها خود شبی در حال مستی به این کار اعتراف و چگونگی آن را تشریح
کرده بلکه در نامه ای که به فرزندش ادیب الملک نوشته نیز به این جنایات اعتراف
نموده و کوشیده با مطرح کردن اتهامی کاذب مبنی بر پناهندگی امیرکبیر به سفارت
روس عمل شنیع خود را توجیه کند. در بخشی از آن نامه می نویسد:

بحمدالله منظور را به اقبال سلطنت عظمی بجا آوردم چه مضایقه! به عقیده مردم بدنام
من شدم، شده باشم، مردم چه می دانند چه خبر بود.^۱

با قتل امیرکبیر، حاج علی خان مراتب ترقی را طی کرد. در ۱۲۷۴ هـ ق نیز از سوی
ناصرالدین شاه عهده دار ترتیب و انتظام و نظارت در امور جشن ولیعهدی محمدقاسم
میرزا شد.^۲ اما در سال ۱۲۷۵ هـ ق سه روز پس از عزل میرزا آقاخان نوری به جرم
تصرف در اموال دولتی و همکاری با او به فرمان ناصرالدین شاه از منصب
حاجب الدوله گی معزول گردید. علی خان تا حدود یکسال مغضوب و در گلپایگان
تبعید بود تا این که در ذی الحجه همان سال در سلام روز عید اضحی به وساطت
مهدعلیا مورد عفو قرار گرفت، ملقب به ضیاءالملک شد و سمت حکومت عربستان
(خوزستان) یافت. در ۱۲۷۶ هـ ق حکومت لرستان نیز بر قلمرو حکومتی اش افزوده

^۱ چهل سال تاریخ ایران، ج ۲، ص ۴۷۳

^۲ شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۳۷۷

شد، منصب امیرتومانی گرفت و تا اواخر سال ۱۲۷۷ هـ ق حکومت این نواحی را به عهده داشت. اما چون اعراب خوزستان و اهالی شوشتر به علت بی عدالتی های وی سر به شورش برداشتند، ناگزیر مدت چهار ماه در قلعه سلاسل^۱ اقامت کرد، بعد به تهران احضار شد^۲ اما نه تنها از این سمت معزول نگردید بلکه لقب صنیع الدوله گرفت و در سلک وزرای دربار و اجزاء دارالشورای دولتی درآمد. او در سال ۱۲۷۸ هـ ق به سمت وزارت عدلیه رسید. در ۱۲۷۹ هـ ق ملقب به اعتمادالسلطنه شد و تا اواخر ۱۲۸۱ هـ ق در سمت وزارت عدلیه باقی ماند اما در همین سال از کار برکنار و مبلغ صد هزار تومان جریمه شد.^۳

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در صدرالتواریخ در مورد علت عزل پدرش از وزارت عدلیه می نویسد:

به دنبال عزل میرزا آقا خان نوری از صدرات، حاجی علی خان مباشر و وکیل کارهای او در تهران شد و در ضمن دستخطی از شاه مبنی بر التفات به میرزا آقاخان گرفته و به اصفهان محل سکونت این شخص فرستاد. این دستخط موجب بروز شایعاتی در دربار مبنی بر بازگشت مجدد میرزا آقا خان نوری به دربار شد و عکس العمل شدید درباریان را در پی داشت. شاه که حاجی علی خان را عامل بروز چنین شایعاتی می دانست او را از وزارت عدلیه عزل، جریمه و به عتاب تبعید کرد.^۴

علی خان بعد بار دیگر به تهران دعوت و در سال ۱۲۸۲ هـ ق به جای میرزا مصطفی افشار بهاءالملک به وزارت وظایف و اوقاف منصوب شد. در این سمت، قانونی به نام «دستورالعمل» را - که ظاهراً نخستین قانون قضایی تدوین شده در دوره قاجار بود و بعدها مبنای قضاوت قرار گرفت - تدوین کرد و به امضای شاه رساند. در ۱۲۸۳ هـ ق علاوه بر وزارت وظایف و اوقاف، حکومت شاهرود، بسطام، سمنان، دامغان و نردین

۱. چهل سال تاریخ ایران، ج ۲، ص ۴۵-۴۶

۲. صدرالتواریخ، ص ۲۴۴

۳. همان، ص ۲۴۴؛ روزنامه خاطرات، ص ۱۰۸۴؛ شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۳۷۸

۴. روزنامه خاطرات، مقدمه

نیز زیر نظر او بود. حاج علی خان سرانجام در آخر ربیع الاول ۱۲۸۴ هـ ق در خانه سید جمارانی ناظم العلماء درگذشت و در حرم حضرت معصومه (س) در قم به خاک سپرده شد.^۱ محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در ذیل وقایع ۵ جمادی الثانی ۱۲۹۸ راجع به عاقبت کار پدر خود می نویسد:

پدر بیچاره من همین طور با صداقت خدمت کرد، عاقبت بعد از شصت سال خدمت به جد و پدر و خودش بی کفن مرد.^۲

علی خان در مدتی که مصدر امور بود، اقدامات عمرانی متعددی انجام داد که از آن جمله می توان به توسعه و تزیین صحن حضرت عبدالعظیم و مطلا کردن گنبد آن، احداث عمارتی جدید در جنب عمارت اندرونی سلطنتی در دارالخلافه مشتمل بر هشتاد و دو باب اتاق تحتانی و فوقانی، احداث باغ و عمارتی وسیع در دوشان تپه، ساختن سربازخانه و قراول خانه های شهر، تعمیر و بنای مجدد قورخانه و توپخانه محمره که به علت بالا آمدن آب در سال ۱۲۷۸ هـ ق تخریب شده بود، احداث سبزه میدان دارالخلافه تهران در سال ۱۲۶۹ هـ ق، مرمت سد حویزه، احداث کارخانه جات ریسمان ریزی و کاغذ سازی در تهران و شکرریزی در مازندران، احداث تیمچه ای در بازار تهران، احداث عمارت سلطنت آباد، نیاوران، خیابان ارک و عالی قاپوی شاهی اشاره کرد. برخی از مورخین احداث عمارت بادگیر را نیز به وی نسبت می دهند.^۳

او بخشی از باغ سردار (مسجد سپهسالار و خیابان بهارستان امروزی) را نیز خرید ولی مدتی بعد چون احتیاج مالی پیدا کرد، پنج و نیم دانگ از آن را نزد امین الملک گرو گذاشت اما چون در موعد مقرر نتوانست بدهی خود را پرداخت نماید، امین الملک آن ملک را به میرزا حسین خان سپهسالار فروخت. او نیز به جای پنج و نیم دانگ، شش دانگ آن ملک را برداشت.

^۱. شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۳۷۹

^۲. همان، ص ۳۷۸

^۳. همان؛ جغرافیای تاریخی تهران، ص ۵۴۶، ۳۲۴، ۳۱۷، ۱۸۷، ۱۰۰

آثار حاج علی خان مقدم مراغه‌ای

۱- سفرنامه حج / مکه^۱: این اثر که در کتاب الذریعه به عنوان «سفرنامه بیت الله» از آن یاد شده است^۲، سفرنامه‌ای است از حاج علی خان مقدم مراغه‌ای به زبان فارسی که نسخه خطی آن به خط نستعلیق به شماره ۵۳ در بخش کتب تاریخ و به شماره عمومی ۴۱۲۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. این کتاب در سال ۱۳۳۶ هـ ق به دستور محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، فرزند مؤلف، با خط نستعلیق در ۲۱۹ صفحه از سواد به بیاض کشیده شده است. آقا سید حسین نامی نیز آن را براساس وصیت اشرف السلطنه همراه با یکصد و پنجاه جلد کتاب خطی دیگر در سال ۱۳۳۴ هـ ق. به کتابخانه مبارک رضویه هدیه و وقف کرده است، مشروط بر این که از شهر بند ارض اقدس بیرون نبرند و کمال مواظبت را در ضبط و حفظ آنها نموده، بدون قبض به کسی ندهند و زیاده از سه ماه، در خارج کتابخانه نگاه ندارند و تولیت آنها را در هر عصری از اعصار، به متولی باشی سرکار فیض آثار مفوض نموده است. وقف صحیح شرعی «بحیث لا یباع ولا یوهب ولا یرهن فمن بدله بعد ما سمعه فإنما اثمه علی الذین یدلون» شهر شعبان المعظم، ۱۳۳۴ هـ ق.

این سفرنامه که در سال ۱۲۶۳ هـ ق / ۱۸۳۶ م نگاشته شده با آیه «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا» و دو بیت شعر:

گفت معشوقی به عاشق کی فتی تو به غربت دیده‌ای بس شهرها
گو کدامین شهر از آنها بهتر است گفت آن شهری که در وی دلبر است

^۱. فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۱، ص ۱۰۵، ۱۲۴؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۶، ص

^۲. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۸۶

آغاز شده و حاوی شرح سفر حاج علی خان مقدم مراغه‌ای به عتبات عالیات، دمشق و مکه و مدینه است که همراه با مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه انجام داده و سرانجام در ۲۶ جمادی‌الاول وارد تبریز شده است. او چنان‌که خود می‌نویسد در این سفر بارها مورد بی‌مهری، بی‌توجهی و کم‌لطفی مهدعلیا قرار گرفته تا آنجا که برای جبران بی‌پولی و تأمین هزینه سفر به ناچار اسباب خود را به مبلغ دوازده تومان حراج کرده است.

از آنجا که این سفرنامه حاوی اطلاعات تاریخی، جغرافیایی، علمی و دینی فراوان و درخور توجهی است، لذا بخشی از آن توسط آقای سید علی قاضی‌عسکر با عنوان «سفرنامه حاج علی خان اعتمادالسلطنه» تصحیح و در فصل‌نامه «میقات حج» در پاییز ۱۳۷۷، ش ۲۵ منتشر شد.

۲- کتابچه تشریفات: اثر دیگری از حاج علی خان اعتمادالسلطنه است که پژوهشگران در تحقیقات خود پیرامون آثار وی اشاره‌ای به آن نکرده‌اند، تنها دکتر بیانی یادداشتی بر نسخه خطی این اثر نوشته که در آرشیو کتابخانه و اسناد وزارت امور خارجه با مشخصات زیر موجود است:

جلد: تیماج به رنگ قهوه‌ای روشن، قطع: $۱۶/۵ \times ۲۸/۵$ سانتیمتر، برگ: ۹۶ (اما از برگ ۶۲ به بعد سفید مانده است)، کاغذ: خان بالیغ به رنگ نباتی، خط: شکسته نستعلیق، شماره کتاب: ۶۳۱۰، شماره ثبت: ۱۲۵، مورخ خرداد ۱۳۵۱.

از آنجا که در ایران عصر قاجار به دلیل ارتباط دیپلماتیک با سایر دول اروپایی و تأسیس کنسولگری و سفارتخانه‌ها و سایر اماکن سیاسی این ممالک در ایران، و سفرهای برخی از پادشاهان این سلسله به کشورهای اروپایی، آداب و آیین تشریفات ممالک اروپایی در ایران ابتدا در سطوح درباری و سپس در میان قاطبه قشور جامعه (اقتدار مرفه و رجال درباری) نفوذ یافت، با تأسیس دستگاه دیپلماسی خارجی در این عصر و به دنبال آن گسترش روابط سیاسی ایران با دول خارجی، نهادی به نام وزارت

امور خارجه به سبك وزارتخانه‌های اروپایی در ایران به سال ۱۲۹۹ هـ.ش با تشكیلاتی نسبتاً مفصل دوباره تأسیس شد. از این رو، دربارهٔ دستورالعمل تشریفات، آداب استقبال و نحوهٔ پذیرایی از هیأت‌های دیپلماتيك در منابع عصر قاجار اطلاعات پراکنده‌ای وجود دارد، لذا تنها با كندوكاوی در متون خطی یا چاپ شده از آن دوران است كه می‌توان در این باره اطلاعاتی به دست آورد. از این رو كتابچه تشریفات تألیف میرزا علی خان مقدم مراغه‌ای صرف‌نظر از آن كه به دست مردی نوشته شده كه در قتل امیركبير نقش داشته و از این منظر در كارنامهٔ زندگی خود نقشی منفی به یادگار گذاشته است، از منابع سودمند در باب تشریفات، آداب استقبال و پذیرایی از هیأت‌های دیپلماتيك در عصر قاجار به شمار می‌رود. اگرچه محتملاً چنین به نظر می‌آید نگارش این اثر از خود حاجب‌الدوله نیست و پسرش اعتمادالسلطنه آن را به عهده داشته است، زیرا حاجب‌الدوله مردی بی‌بندوبار، عیاش و در خوشگذرانی و راحت‌طلبی شهرتی بسزا داشته است.^۱ مؤلف كتاب خود را در دو قسمت به رشته نگارش درآورده است.

قسمت اول مشتمل بر ۷ فصل:

فصل اول: در باب تشریفات تحویل و حمل و سلام حضور مبارك در دیوانخانهٔ بزرگ و سردر عالی‌قاپو و اسامی اصحاب سلام كه در وقت تحویل دعوت شده بودند و سایر لوازم عیدی.

اشخاصی كه به سلام حضور مبارك مشرف شدند:

اشخاصی كه در اتاق بودند:

۱- صدراعظم، علما، فضلا

۲- شاهزادگان و سایر امنای دولت

۳- اطباء و منجمین

^۱. شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۳۷۹

اشخاصی که در باغ بودند:

۱- شاهزادگان

۲- مستوفیان، لشکرنویسان و منشیان

۳- آقایان قاجار

۴- اطباء و منجمین

۵- اهل نظام

فصل دوم: در باب پیشکشی ولایات که در شب عید به حضور مبارک نقداً

پرداخت شد به تاریخ یوم یکشنبه بیست و نهم شهر رجب المرجب ثیلان ۱۲۷۳

۱- از بابت نقدی

۲- از بابت جنسی

۳- از بابت سواری سرکار اقدس

فصل سوم: در آداب تشریفات وزرای دول متحابه و سفرای دول مزبور

۱- تشریفات شرفیابی کنیاز ملیکوف فرستاده و جانشین قفقاز

فصل چهارم: در باب سواری موکب همایون به شکارگاه و غیره و ایام توقف در

شکارگاه

فصل پنجم: در تشریف‌فرمایی موکب همایون به ییلاقات و ایام توقف و سواری و

وقایعات اتفاقیه.

فصل ششم: در باب ورود و مهمانان عزبا و قرار مخارج یومیه و تشریفات و

انعامات ایشان و ایام توقف

تشریفات مستر موره وزیرمختار انگلیس به تاریخ پنجشنبه ۲۵ ذی‌القعدة الحرام

۱۲۷۳

۱- تشریفات مسیو بارون پیشون وزیرمختار فرانسه به تاریخ پنجشنبه ۱۲

جمادی‌الثانی ثیلان ۱۲۷۳

فصل هفتم: در تاریخ عزل و نصب حکام محروسه

۱- تشریفات ولیعهدی امیرکبیر نظام دوشنبه ۱۴ ربیع الاول ۱۲۷۴ (امیر محمد قاسم خان امیر نظام) و فرمان ولیعهدی او
قسمت دوم:

این کتابچه‌ای است موسوم به قواعد و وقایع اتفاقیات در این دولت ابد مدت قاهره از اول سال خجسته فال یونانیل خیریت دلیل سنه ۱۲۷۴ که ابتدا رجوع می‌شود به تشریفات عید سعید نوروزی و اصحاب سلام حضور مبارک و غیره. این کتابچه مشتمل است بر چند فصل:
فصل اول:

۱- در باب تعیین سلام

۲- اصحاب سلام (با همان ترتیب قسمت اول)

فصول بعد به رفتن به ییلاقات و شکار و اسب‌دوانی و دادن خلعت و تشریفات فوت ولیعهد و وقایعی که در حین مسافرت به وقوع پیوسته مربوط می‌شود.

مطالب کتابچه تشریفات پس از ذکر مطالبی خارج از موضوع^۱، چنین شروع می‌شود:

این کتابچه‌ایست موسوم به قواعد تشریفات و وقایع اتفاقیات درین دولت ابد مدت قاهره الباهره از اول سال خجسته فال ییلان‌نیل خجسته دلیل، خیریت تحویل ۱۲۷۳ که ابتدا رجوع می‌شود به تشریفات عید سعید نوروزی و اصحاب سلام به

^۱ برای نمونه: در حاشیه صفحه نخست نسخه آمده است: «اخبار مصالحه انگلیس و ایران یوم چهارشنبه پنجم شهر شعبان المعظم ییلان‌نیل سنه ۱۲۷۳ رسید. در پاریس توسط مقرب الخاقان فرخ خان امین‌الملک به مرکز دولت علیه ایران به انجام رسید.» «محمد علی میرزا به سن سی و چهار سالگی فوت شد.»

حضور مبارک و غیره.

روش تصحیح

تصحیح متن حاضر براساس نسخه خطی موجود در آرشیو وزارت خارجه صورت گرفته است. از آنجا که نسخه در پاره‌ای موارد ناخوانا بود، در متن به آن اشاره شد و در داخل [] قرار گرفت. همچنین جهت یکدست شدن متن، دوگانگی‌هایی که در املاي کلمات وجود داشت نیز یکدست گردید. در مواردی که متن دچار افتادگی افتاد، افعال یا کلماتی به متن افزوده شد که در داخل [] قرار گرفت. در برخی موارد نیز که در متن ابهاماتی وجود داشت، با علامت (؟) مشخص شد.

از آنجا که مؤلف برخلاف آنچه خود در مقدمه اثر نوشته و کتاب حاضر را در هفت فصل به رشته نگارش درآورده است نه تنها برخی فصول را ذکر نکرده بلکه ترتیب آن را نیز رعایت ننموده است، از این رو برای جلوگیری از عدم گسیختگی مطالب متن، فصول بر حسب توالی آن قرار گرفت. همچنین برای کمک به خواننده نیز توضیحاتی در پاورقی براساس منابع تاریخی عصر قاجار درباره اشخاص، امکنه و لغات مهجور به کار رفته در متن داده شد. جهت سهولت مطالعه خوانندگان نیز فهرست اعلام، امکنه، مناصب و مشاغل و طوایف در آخر کتاب افزوده گردید. اما متأسفانه به رغم تمایل و کوشش برای پژوهش دقیق و افزون‌تر درخصوص تمام نکات این اثر بدیع از آنجایی که دارندگان نسخه تصویر آن را با کیفیت بسیار پایین در اختیار مصحح قرار دادند، لذا امکان خواندن و ارائه ارقام دقیق خطوط سیاق ممکن نشد که امید می‌رود بتوان در چاپ‌های بعدی و با توجه به تهیه تصویری واضح از نسخه یا مشاهده اصل آن این مهم به انجام برسد.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از جناب آقای علمی مدیر محترم انتشارات علمی و همکاران محترم آنان بویژه سرکار خانم حائری تشکر کنم. سپاس دیگرم از استاد فرزانه و پیر فرهنگ ایران جناب آقای سید عبدالله انوار است که متن را از ابتدا تا انتها

خواندند و نکات ارزنده‌ای را متذکر شدند.

سخن آخر این که، در تصحیح متن حاضر تلاش و سعی بر آن بوده تا متنی منقح به اهل علم عرضه گردد ولی اذعان دارم که امکان سهو و خطا در آن موجود است. امید است این اثر مورد توجه پژوهشگران تاریخ قاجاریه قرار گیرد و مرا از دیده نقادانه خود بهره‌مند سازند.

تهران، ۱۳۹۲

نادره جلالی